

لغات و اصطلاحات سریال
فرار از زندان - فصل ۵ ، قسمت ۶



محمد دوجی ۹۶/۰۲/۳۰

Prison Break 6

We got to move.
ما باید حرکت کنیم.

You carry the prison with you on the outside.
زندان رو با خودت بیرون میاری.

I can't live that way.
من نمیتونم اینجوری زندگی کنم.

I've got to know the walls disappear.
باید بدونم که دیوارها ناپدید شدن.

Don't give me the pill talk.
از قرق نمیخواه به من بگی.

I won't give you the poor little orphan talk.
من راجع به یتیم بودنت بهت چیزی نمیگم.

This isn't helping.
این کمکی نمیکنه.

We're gonna make them go away.
باید کاری کنیم که برن کنار.

I don't want to be improvising.
من نمیخوام بداهه کار باشم.

Son of a bitch really escaped.
حرومزاده واقعا فرار کرده.

I think I know how to do it.
فک کنم بدونم چجوری انجامش بدم.

That was a very stupid move.
اون خیلی حرکت احمقانه ای بود.

Old smuggling friends.
دوستان قاچاقچی قدیمی.

Autonomous zone.

منطقه آزاد.

I have another vehicle.

من یک وسیله دیگه دارم.

I was going to leave it behind.

میخواستم ولش کنم.

You stay with him.

تو پیشش بمون.

He always give you orders like that?

اون همیشه اینجوری بهت دستور میده؟

it's complicated.

پیچیدست.

I got an order for you.

من یک دستور برات دارم.

Load up.

بار بزن.

Give it a push on my say.

وقتی گفتم هل ببید.

How far away is this garage?

این پارکینگ چقدر دوره؟

he set us up.

برامون پاپوش دوخته.

In another life, no doubt we smoke the hookah together.

تو یک زندگی دیگه، تردید ندارم که با هم قلیون میکشیم.

I didn't have a choice.

چاره ای نداشتم.

We may need him.

شاید لازمش داشته باشیم.

You do realize this is Yemen, don't you?

میدونی که اینجا یمنه، مگه نه؟

you want to trust this guy?

میخواهی بهش اعتماد کنی؟

when I'm scared, I make poor choices.

وقتی میترسم، بد تصمیم میگیرم.

As you probably know.

همونطور که احتمالاً میدونی.

Obviously, he was getting close to something.

مسلماً داشته به چیزایی میرسده.

I hate to say it, but this file is full of dead ends.

دوست ندارم بگم ولی این پرونده پر از بن بسته.

There must be something.

باید یک چیزی باشه.

Vain

بیهوده – بیفایده

I don't want Paul to have died in vain.

من نمیخواهم مرگ پال الکی باشه.

We need to look at this whole thing with new eyes.

باید کل این چیز رو با یک نگاه جدید ببینیم.

I wasn't expecting a call at this hour.

انتظار نداشتم این ساعت زنگ بزنی.

I just wanted to follow up on our earlier conversation.

فقط میخواستم راجع به مکالمه ی امروزمون حرف بزنم.

You got my message?

پیغامم رو گرفتی؟

you gonna help us locate him?

بهمون کمک میکنی پیداش کنیم؟

we just want to put eyes on him.

ما فقط میخوایم چشامون بهش باشه.

I think I can get you in as observers.

فکر میکنم میتونم به عنوان بیننده ببرمتون داخل.

I knew I could count on you.

میدونستم میشه روت حساب کرد.

What you got back here?

این پشت چی داری؟

I need that great big mind of yours clean and clear.

اون ذهن بزرگت رو پاک و سالم نیاز دارم.

It's the number from the airport last night.

همون شماره ای که دیشب تو فرودگاه زنگ زد.

We're travelling.

داریم سفر میکنیم.

It's because of you.

همش به خاطر تو هستش.

Nobility

نجابت - اصالت خانوادگی

when I get back, I'll buy you a drink.

وقتی برگشتم، برات یه نوشیدنی میخرم.

Two vehicles heading west.

دوتا ماشین دارن به سمت غرب میرن.

Why did we stop?

چرا توقف کردیم؟

they have no clue we're watching, do they?

اونا نمیدونن داریم نگاهشون میکنیم، درسته؟

a friend from far away.

یک دوست از راه دور.

Your government has always considered us an enemy.

دولت شما ما رو همیشه دشمن خودش میدونسته.

Visionary

رویایی - خیالی

we'll tell you exactly where they are.

میخوام جای دقیقشون رو بهتون بگم.

Do you want to stay like this?

میخوای اینجوری بمونی؟

we're leaving now.

الان داریم میریم.

This is not your fight anymore.

این دیگه مبارزه ی تو نیست.

Got to laugh more.

باید بیشتر بخندی.

They know how to enjoy life.

میدونن چطوری از دنیا لذت ببرن.

I don't think one bullet is going to get us out of this.

فکر نکنم یک گلوله بتونه از این مخصه نجاتمون بده.

Get closer. Zoom in.

برو جلوتر . زوم کن.

How would they find them?

اونا چجوری پیداشون کردن؟

what are you waiting for?

منتظر چی هستی؟

we only got one bullet.

فقط یک گلوله داریم.

We're seriously screwed here.

حسابی به فنا رفتیم.

More coming, we got to get the hell out of here.

دارن اضافه میشن. باید از اینجا بریم.

What are they stopping for?

برای چی وایسادن؟

we can't go any further.

ما نمیتونیم جلوتر بریم.

That's what I'm trying to tell you.

هیمنو میخواستم بگم.

We got to head back.

ما باید برگردیم.

We got to lose this guy, whoever he is.

باید این یارو رو گم کنیم، هر کی که هست.

You're using me for some sort of black work, aren't you?

داری از من استفاده میکنی تا یک کار بد رو انجام بدی، درسته؟

you think she'll talk?

فکر میکنی حرف بزنه؟

I'm getting pretty tired.

دارم خیلی خسته میشم.

What was he doing in there?

اونجا داشت چیکار میکرد؟

we got to stop.

باید توقف کنیم.

You got a compass on that phone?

رو گوشییت قطب نما داری؟

what you gonna do with that?

با اون میخوایی چیکار کنی؟

he's gonna have to choose.

مجبور میشه انتخاب کنه.

I'm not leaving you out here to die.

اینجا ولت نمیکنم تا بمیری.

I have no intention of dying.

من قصد ندارم بمیرم.

Anyway, you've got the harder job.

به هر حال ، تو کارت سختتره.

You want to play, you son of a bitch?

میخوای بازی کنی، حرامزاده؟

now how the hell am I gonna get out of this?

حالا چجوری از شرش خلاص بشم؟

we're driving blind.

داریم کورکورانه رانندگی میکنیم.

As far as I know..

تا اونجایی که من میدونم..

it means we're close.

یعنی نزدیکیه.

Omar had to go somewhere safe.

عمر باید یه جای امن میرفت.

Because of the war.

بخاطر جنگ.

He told us to bring this stuff for you.

گفت که این چیزا رو براتون بیاریم.

Also said you could arrange a boat for us.

همینطور گفت که میتونید برامون قایق جور کنید.

I told you would die.

بهت گفتم که میمیری.

You're right. I shouldn't have abandoned him.

حق با تو بود. نباید تنهاش می گذاشتم.

You can't go out there at night.

نمیتونی شب بری اونجا.

You'll never find him.

هرگز پیداش نمیکنی.

You got to have faith.

باید ایمان داشته باشی.

That's it.

تمومه.

Thank God, you made it.

خدایا شکرت، تو موفق شدی. (انجامش دادی)

he poisoned me.

اون مسمومم کرد.

We just came from there.

همین الان از اونجا اومدیم.

We got to do something.

باید یه کاری بکنیم.